



دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

رساله دکتری روان شناسی

عنوان:

مقایسه کاربرد و اثربخشی استعاره‌های زبان اول و زبان دوم
در فرایند استعاره درمانی افراد دوزبانه
دارای روان رنجوری افسردگی

استاد راهنما:

دکتر حسن احدی

اساتید مشاور:

دکتر حسین اسکندری - دکتر حسن عشایری

پژوهش و نگارش:

سوسن علیزاده فرد

تابستان ۱۳۸۸

تقدیم به همسر دکترا حسین سرپولکی،

و فرزندان عزیزم

محمد و مسعود

قدردانی

توانایی انجام این پژوهش و نگارش رساله حاصل نشده است مگر با کسب فیض از محضر اساتید و یاری دوستانی که لازم است از آنان سپاسگزاری نمایم.

در ابتدا از استاد راهنما و ارجمندم جناب آقای دکتر حسن احدی تشکر می‌نمایم که حمایت و مساعدت ایشان همواره مایه دلگرمی و رهنمودهای ایشان موجب پیشرفت پژوهش می‌گشت.

از استاد بزرگوار و فرزانه جناب آقای دکتر حسن عشایری که مشاوره این رساله را پذیرفتند، کمال تشکر را دارم و لازم می‌دانم تا حسن اخلاق علمی و اجتماعی ایشان را بستايم. هر نشست من با ایشان برای کسب راهنمایی در زمینه رساله، تجربه‌ای پر بار و شیرین در دوران دانشجویی من بوده است.

همچنین بر خود فرض می‌دانم تا مراتب سپاس خود را از استاد مشاور عزیز جناب آقای دکتر حسین اسکندری ابراز دارم. به ثمر رسیدن این رساله را مدیون نگرش علمی نوینی می‌دانم که با طرح مباحث مربوط به معناشناسی و استعاره در کلاس درس بوجود آوردند. راهنمایی‌های ایشان بخصوص در زمینه استعاره درمانی بسیار راهگشا و گرانبها بوده است. حمایت علمی و اخلاقی ایشان موجب رشد احساس خودباوری پژوهشی در دانشجویان می‌گردد که براستی ارزشمند و ستودنی است.

اگرچه در سنت دانشگاهی، اساتید داور رساله، وظیفه ارزیابی را بر عهده دارند اما به حق جناب آقایان دکتر احمد برجلی و دکتر محمد کاظم عاطف وحید، در مقام آموزش و راهنمایی برآمده که دقت و حوصله فراوان ایشان در مطالعه رساله و رهنمودهای ارزشمندشان سزاوار قدردانی و تشکر بسیار است.

ماهیت بین‌رشته‌ای موضوع پژوهش سبب گشت تا در طول اجرای پژوهش از استادان ارجمندی کمک بگیرم. این بزرگواران نیز با سخاوت علمی در جلسات مشاوره، بنده را پذیرفتند که لازم است از آنان نام برده و کمال تشکر را بنمایم. استاد گرامی جناب آقای دکتر حبیب‌اله قاسم زاده در زمینه استعاره و استعاره درمانی، جنای آقای دکتر ارسلان گلفام در زمینه زبان شناسی شناختی و استعاره، سرکار خانم دکتر مرضیه عارفی در زمینه دوزبانگی و روانشناسی، سرکار خانم دکتر امیلیا نرسیسیانس در زمینه دوزبانگی و علوم اجتماعی، جناب آقای دکتر رضا کرمی نوری در زمینه دوزبانگی و حافظه، جناب آقای فرزاد سجودی در زمینه زبان شناسی و استعاره، سرکار خانم دکتر فاطمه باقریان در زمینه دوزبانگی و روانشناسی اجتماعی، سرکار خانم دکتر لادن فتی در زمینه درمانهای شناختی و شناخت درمانی گروهی، جناب آقای عباس باباصفیری در زمینه کاربرد استعاره در درمان و جناب آقای دکتر علی عیسی زادگان در زمینه استعاره درمانی و معناگذاری عزیزانی هستند که لطف و دانش آنها سزاوار سپاسگزاری فراوان است. همچنین از کلیه همکارانم و بخصوص از همکاری صبورانه درمانجویان این پژوهش، در مراحل درمان تشکر می‌نمایم.

این رساله نتیجه سالهای دانش‌آموزی اینجانب است، از اینرو بر خود واجب می‌دانم تا از کلیه اساتید دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تشکر نموده و مراتب قدردانی خود را از آموزگاران دوره‌های دبیرستان، راهنمایی و دبستان ابراز نمایم و بخصوص دست آموزگار کلاس اول دبستانم را به ادب ببوسم.

چکیده

هدف: این پژوهش قصد دارد تا استعاره را بعنوان یک مفهوم شناختی- فرهنگی مورد بررسی قرار دهد. از این جهت اولاً مقایسه برخی ویژگی‌های شناختی (حافظه و معناگذاری) در کاربرد استعاره‌های زبان اول و دوم در افراد دوزبانه، و ثانیاً مقایسه تاثیر این ویژگی‌ها در اثربخشی استعاره‌های زبان اول و دوم در فرایند استعاره درمانی افراد دوزبانه افسرده مورد بررسی قرار گرفته است.

روش:

در بخش اول این پژوهش برای مقایسه تفاوت عملکرد کلی حافظه و سوگیری عاطفی حافظه از آزمون فراخوانی آزاد و برای مقایسه معناگذاری از آزمون افتراق معنا استفاده شده است. مواد این آزمونها، عبارات استعاری و غیر استعاری به زبان فارسی و ترکی آذری هستند. این آزمونها بر روی ۱۲۰ دانشجوی یک زبانه فارس و دوزبانه آذری، افسرده (غیر بالینی) و غیر افسرده اجرا شده است. همچنین در بخش دوم برای مقایسه اثربخشی درمانی استعاره‌های زبان اول و دوم، ۱۹ فرد دوزبانه آذری زبان دارای اختلال افسردگی اساسی در دو گروه تحت استعاره درمانی قرار گرفتند. درمان گروه اول با استعاره‌هایی به زبان فارسی و درمان گروه دوم با استعاره‌هایی به زبان آذری صورت پذیرفته است.

یافته‌ها:

در بخش اول پژوهش میزان فراخوانی مواد استعاری به نحو معناگذاری بیش از مواد غیر استعاری بود. افراد دوزبانه استعاره‌های زبان اول را بطور معناگذاری بیش از استعاره‌های زبان دوم بیاد آوردند. افراد افسرده استعاره‌های دارای بار هیجانی منفی را بیش از استعاره‌های دارای بار هیجانی مثبت بیاد آوردند و این تفاوت از نظر آماری معنادار بود. افراد دوزبانه افسرده، استعاره‌های منفی زبان اول را به شکل معناگذاری بیش از استعاره‌های منفی زبان دوم خود فراخواندند. همچنین معناگذاری مواد استعاری و غیر استعاری در آزمون افتراق معنا، به شکل معناگذاری تفاوت داشت. افراد افسرده دوزبانه، استعاره‌های منفی را بصورت معناگذاری متفاوت از استعاره‌های مثبت، معناگذاری کردند اما این تفاوت در افراد یک زبانه معنادار نبود. افراد افسرده دوزبانه، استعاره‌های زبان اول و زبان دوم خود را متفاوت معناگذاری کرده و این تفاوت از نظر آماری معنادار بود. در بخش دوم پژوهش یافته‌ها نشان دادند که رویکرد استعاره درمانی در هر دو گروه منجر به کاهش معنادار نمرات افراد در آزمون افسردگی بک شده است. بعلاوه درصد بهبودی گروه درمان با استعاره‌های زبان آذری بطور معناداری بیشتر بود.

نتیجه:

مفاهیم استعاری با برخورداری از خصوصیات ارتباطی، شناختی و فرهنگی دارای ویژگی‌های خاصی هستند که هر یک از این ویژگی‌ها در تعامل با سایر خصوصیات است. از اینرو در بررسی و کاربرد استعاره‌ها لازم است تا ویژگی‌های شناختی و فرهنگی آنها را در تعامل با نقش ارتباطی مورد توجه قرار داد. استعاره درمانی، بعنوان نمونه‌ای مهم از کاربرد استعاره در روانشناسی، توجه به این امر را از سوی درمانگران ضروری می‌نماید، چنانکه استفاده از استعاره‌های متناسب با زبان و فرهنگ بومی مراجعین، به نحو قابل توجهی اثربخشی درمان را تحت تاثیر قرار داده و موجب افزایش آن می‌گردد.

۱	موضوع پژوهش.....	
۲	مقدمه.....	•
۷	بیان مسئله.....	•
۱۳	اهمیت مسئله.....	•
۱۶	اهداف پژوهش.....	•
۱۶	اهداف کلی پژوهش:.....	○
۱۶	اهداف اختصاصی پژوهش:.....	○
۱۷	فرضیه‌های پژوهش.....	•
۱۷	فرضیه‌های اصلی تحقیق:.....	○
۱۷	فرضیه‌های فرعی تحقیق:.....	○
۱۹	تعریف نظری و عملی متغیرها.....	•
۱۹	افسردگی عمده.....	○
۲۰	استعاره.....	○
۲۱	دوزبانگی.....	○
۲۲	استعاره درمانی.....	○
۲۲	حافظه آشکار.....	○
۲۳	سوگیری حافظه.....	○
۲۴	پردازش معنایی.....	○
۲۵	تعریف نظری و عملی متغیرهای کنترل.....	•
۲۵	هوش.....	○

○ توانش‌های زبانی..... ۲۵

ادبیات پژوهش..... ۲۸

• دوزبانگی..... ۲۹

○ تعریف دوزبانگی..... ۲۹

○ انواع دوزبانگی..... ۳۱

○ تعاریف میانه دوزبانگی..... ۴۰

○ رویکرد پیوستاری چندبعدی در مقابل رویکرد نقطه‌ای- هورن برگر..... ۴۲

○ دوزبانگی و دوزبان‌گویی..... ۴۴

○ کدهای اجتماعی دوزبان‌گویی..... ۴۶

○ مطالعات دوزبانگی..... ۴۷

• استعاره..... ۵۱

○ تعریف استعاره..... ۵۱

○ مفهوم فلسفی استعاره در غرب..... ۵۲

○ مفهوم استعاره نزد اندیشمندان مسلمان..... ۵۴

○ مفهوم اخیر استعاره..... ۵۵

○ خصوصیات استعاره..... ۵۷

○ درک استعاره..... ۵۸

○ رویکرد مبتنی بر فرایندهای تداعی کلامی..... ۵۸

○ رویکرد مبتنی بر تصویر پردازی..... ۵۸

○ رویکرد مبتنی بر بازنمایی‌های انتزاعی..... ۵۹

○ رویکرد مبتنی بر بازنمایی‌های تصویری و کلامی (رمز گردانی دوگانه)..... ۵۹

○ نظریات استعاره..... ۶۱

۶۱	ماهیت و ساختار استعاره.....
۶۲	زبان شناسی استعاره.....
۶۴	روان شناسی استعاره.....
۶۹	استعاره و هیجان.....
۷۳	استعاره و معنا.....

• استعاره درمانی ۷۶

۷۶	○ تعریف و تاریخچه.....
۸۱	○ سیر تحولی نظریات شناختی در درمان افسردگی.....
۸۱	رویکرد روان شناسی معنی.....
۸۳	نظریات سازماندهی و بازنمایی اطلاعات.....
۸۵	مدلهای ارتباطی فرایندهای شناختی و هیجان.....
۸۹	مدل درمان شناختی بک (C.B.T).....
۹۰	رویکرد (I.C.S) تیزدیل.....
۹۲	دیدگاه کوپ.....
۹۴	○ مزایای استفاده از استعاره در درمانهای روان شناختی.....

• معنا شناسی ۹۷

۹۷	○ تعریف معنی شناسی.....
۹۸	○ واحد معنی.....
۹۹	○ معنی در زبان شناسی.....
۱۰۲	○ زبان و اندیشه.....
۱۰۲	فرضیه نسبیت زبانی.....
۱۰۳	فرضیه زبان اندیشه.....
۱۰۶	○ معنی شناسی شناختی و استعاره.....

- روانشناسی و معنی ۱۰۸
- ویگوتسکی - روان شناسی واسطه‌مندی ۱۱۰
- حافظه ۱۱۴
 - تعریف و مراحل حافظه ۱۱۴
 - انواع حافظه ۱۱۴
 - نظریه تولوینگ ۱۱۶
 - نظریه بدلی ۱۱۷
 - نظریه گراف و شاختر ۱۱۷
 - نظریه کوهن ۱۱۸
 - نظریه اسکویر ۱۱۸
 - نظریه کریک و لوکهارت ۱۱۹
 - حافظه و روانشناسی شناختی ۱۲۱
 - اثر عوامل شناختی بر حافظه ۱۲۲
 - حافظه و دوزبانگی ۱۲۵
 - حافظه و استعاره ۱۳۲
 - حافظه و عاطفه ۱۳۴
- پیشینه پژوهش ۱۳۶
 - مروری بر پیشینه پژوهش‌های دوزبانگی ۱۳۷
 - مروری بر پژوهش‌های مربوط به معناگذاری ۱۴۷
 - مروری بر پژوهش‌های مربوط به استعاره و استعاره درمانی ۱۵۱
 - مروری بر پژوهش‌های حافظه و دوزبانگی ۱۵۸

- ۱۶۲ مروری بر پژوهشهای حافظه و استعاره
- ۱۶۴ مروری بر پژوهشهای سوگیری شناختی هماهنگ با خلق
- ۱۶۷ روش اجرای پژوهش
- ۱۶۸ طرح کلی پژوهش
- ۱۶۹ آزمودنی‌های پژوهش
 - ۱- جامعه آماری پژوهش: ۱۶۹
 - ۲- گروه نمونه پژوهش: ۱۶۹
 - ۳- ملاکهای گروه نمونه: ۱۷۰
- ۱۷۲ معرفی ابزارهای پژوهش
 - ۱- پرسشنامه افسردگی بک ۱۷۲
 - ۲- آزمون حافظه ۱۷۳
 - ۳- آزمون افتراق معنا SDT ۱۷۵
 - ۴- آزمون ماتریسهای پیشرونده ریون ۱۷۶
 - ۵- پرسشنامه توانشهای کاربردی زبان ۱۷۸
 - ۶- لیست جملات و عبارات آزمون ۱۷۹
- ۱۸۲ فرایند درمان
 - ساختار درمان ۱۸۳
- ۱۸۵ روشهای آماری
- ۱۸۶ مراحل اجرای پژوهش

۱۸۹ یافته‌های پژوهش

• ۱۹۰ داده‌های توصیفی

• ۱۹۴ داده‌های استنباطی

○ ۱۹۵ فرضیه الف

○ ۱۹۸ فرضیه ب

○ ۱۹۹ فرضیه ج

○ ۱۹۹ فرضیه د

○ ۲۰۸ فرضیه ه

○ ۲۱۰ فرضیه و

○ ۲۱۲ فرضیه ز

○ ۲۱۴ فرضیه ح

○ ۲۱۷ فرضیه ط

○ ۲۱۷ فرضیه ی

۲۲۰ بحث و نتیجه‌گیری

• ۲۲۱ نتایج پژوهش

○ ۲۲۵ نتایج داده‌های توصیفی

○ ۲۲۶ نتایج داده‌های استنباطی

○ ۲۳۵ یافته‌های جنبی

○ ۲۳۵ یافته‌های جنبی فرضیه الف

○ ۲۳۵ یافته‌های جنبی فرضیه ج و د

○ ۲۳۶ یافته‌های جنبی فرضیه ه

۲۳۶	یافته‌های جنبی فرضیه ح.....	
۲۳۷	بحث در نتایج.....	•
۲۶۰	محدودیت‌های پژوهش.....	•
۲۶۱	پیشنهادات.....	•

- جدول ۳-۱ چگونگی اجرای طرح درمان ۱۸۶
- جدول ۳-۲ چگونگی اجرای ازمونهای حافظه و افتراق معنا ۱۸۷
- جدول ۴-۱ اطلاعات جمعیت شناختی گروه نمونه در مرحله اول پژوهش، مرحله غیربالینی ۱۹۰
- جدول ۴-۲ آزمون آماری تحلیل واریانس یکطرفه برای مقایسه سن گروههای آزمودنی ۱۹۱
- جدول ۴-۳ جدول توافقی برای مقایسه جنسیت گروههای آزمودنی ۱۹۱
- جدول ۴-۴ آزمون آماری خی دو برای مقایسه جنسیت گروههای آزمودنی ۱۹۲
- جدول ۴-۵ اطلاعات جمعیت شناختی گروه نمونه در مرحله دوم پژوهش ۱۹۳
- جدول ۴-۶ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری برای مقایسه سن درمانجویان دو گروه درمانی ۱۹۳
- جدول ۴-۷ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه تعداد فراخوانی افراد یک‌زبانه ۱۹۵
- جدول ۴-۸ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه تعداد فراخوانی افراد دوزبانه ۱۹۶
- جدول ۴-۹ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه استعاره‌های مرده و زنده ۱۹۷
- جدول ۴-۱۰ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه عبارات استعاری فارسی و آذری ۱۹۸
- جدول ۴-۱۱ میانگین و انحراف معیار عبارات هیجانی مختلف فراخوان شده توسط آزمودنی‌های افسرده و غیر افسرده
یک‌زبانه در آزمون فراخوانی آزاد ۲۰۰

- جدول ۴-۱۲ آزمون آماری T برای مقایسه تعداد فراخوانی عبارات دارای بار هیجانی منفی بین افراد افسرده و غیر افسرده
یک‌زبانه در آزمون فراخوانی آزاد ۲۰۰
- جدول ۴-۱۳ میانگین و انحراف معیار عبارات عبارات استعاری و غیر استعاری فراخوان شده در آزمون فراخوانی آزاد افراد
افسرده یک‌زبانه ۲۰۱
- جدول ۴-۱۴ آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت فراخوانی عبارات عبارات استعاری و غیر استعاری منفی افراد افسرده
یک‌زبانه در آزمون فراخوانی آزاد ۲۰۱
- جدول ۴-۱۵ میانگین و انحراف معیار عبارات مختلف فراخوان شده توسط آزمودنی‌های افسرده و غیر افسرده دو زبانه در
آزمون فراخوانی آزاد ۲۰۲
- جدول ۴-۱۶ آزمون آماری T برای مقایسه تعداد فراخوانی عبارات دارای بار هیجانی منفی بین افراد افسرده و غیر افسرده
دو زبانه در آزمون فراخوانی آزاد ۲۰۲
- جدول ۴-۱۷ میانگین و انحراف معیار عبارات استعاری و غیر استعاری فراخوان شده افراد افسرده دوزبانه ۲۰۳
- جدول ۴-۱۸ آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت فراخوانی عبارات استعاری و غیر استعاری منفی افراد افسرده دوزبانه در
آزمون فراخوانی آزاد ۲۰۳
- جدول ۴-۱۹ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری t برای مقایسه تفاوت کل حافظه فراخوانی بین افراد افسرده و غیر
افسرده یک‌زبانه ۲۰۴
- جدول ۴-۲۰ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت کل حافظه فراخوانی بین افراد افسرده و غیر
افسرده دوزبانه ۲۰۴
- جدول ۴-۲۱ میانگین و انحراف معیار عبارات استعاری هیجانی مختلف توسط آزمودنی‌های افسرده و غیر
افسرده یک زبانه در آزمون فراخوانی با نشانه ۲۰۵

- جدول ۴-۲۲ آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت فراخوانی عبارات استعاری مثبت و منفی افراد افسرده یک زبانه در آزمون فراخوانی با نشانه ۲۰۵
- جدول ۴-۲۳ آزمون آماری T برای مقایسه کل تعداد فراخوانی افراد افسرده و غیر افسرده یک زبانه در آزمون فراخوانی با نشانه ۲۰۶
- جدول ۴-۲۴ آزمون آماری T برای مقایسه تعداد فراخوانی عبارات منفی افراد افسرده و غیر افسرده یک زبانه در آزمون فراخوانی با نشانه ۲۰۷
- جدول ۴-۲۵ میانگین و انحراف معیار عبارات استعاری منفی زبان اول و دوم در افراد افسرده و غیر افسرده دوزبانه ۲۰۸
- جدول ۴-۲۶ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه تعداد فراخوانی عبارات استعاری منفی زبان اول و دوم در افراد افسرده ۲۰۹
- جدول ۴-۲۷ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه کل تعداد فراخوانی افراد افسرده و غیر افسرده دوزبانه ۲۰۹
- جدول ۴-۲۸ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت نمرات افتراق معنای افراد یک زبانه برای عبارات استعاری و غیر استعاری ۲۱۰
- جدول ۴-۲۹ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت نمرات افتراق معنای افراد دو زبانه برای عبارات استعاری و غیر استعاری ۲۱۱
- جدول ۴-۳۰ میانگین و انحراف معیار نمرات افتراق معنای معنای افراد افسرده و غیر افسرده یک زبانه برای عبارات استعاری مثبت و منفی ۲۱۲

- جدول ۴-۳۱ آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت نمرات افتراق معنای افراد افسرده و غیر افسرده یک‌زبانه برای عبارات استعاری منفی ۲۱۲
- جدول ۴-۳۲ میانگین و انحراف معیار نمرات افتراق معنای معنای افراد افسرده و غیر افسرده دو زبانه برای عبارات استعاری مثبت و منفی ۲۱۳
- جدول ۴-۳۳ آزمون آماری T برای مقایسه تفاوت نمرات افتراق معنای معنای افراد افسرده و غیر افسرده دوزبانه برای عبارات استعاری منفی ۲۱۳
- جدول ۴-۳۴ میانگین و انحراف معیار نمره استعاره های منفی زبان اول و دوم در آزمون افتراق معنایی افراد افسرده دوزبانه ۲۱۴
- جدول ۴-۳۵ آزمون آماری برای مقایسه نمرات عبارات استعاری منفی زبان اول و دوم در افراد افسرده دوزبانه ۲۱۴
- جدول ۴-۳۶ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه نمره افتراق معنای کل عبارات استعاری فارسی و آذری در افراد دوزبانه ۲۱۵
- جدول ۴-۳۷ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه نمره عبارات استعاری منفی افراد افسرده و غیر افسرده ۲۱۶
- جدول ۴-۳۸ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه اختلاف میانگین نمرات آزمون افسردگی قبل و بعد از درمان در دو گروه درمان ۲۱۷
- جدول ۴-۳۹ میانگین، انحراف معیار و آزمون آماری T برای مقایسه درصد بهبودی در دو شیوه درمان ۲۱۸

شکل ۲-۱	ارتباط بین ابعاد دوزبانگی (هورن برگر و اسکیلتون سیلستر ۲۰۰۰)..... ۴۲
شکل ۲-۲	در هر بعد از دوزبانگی سه پیوستار در سه وجه قرار دارند (هورن برگر ۱۹۸۹)..... ۴۳
شکل ۲-۳	حیطه‌های مهم روان شناسی شناختی..... ۶۴
شکل ۲-۴	از انگیزه تا گفتار بیرونی در چارچوب نظر ویگوتسکی..... ۶۹
شکل ۲-۵	رابطه بین زبان و تفکر از دیدگاه ویگوتسکی..... ۷۳
شکل ۲-۶	مراحل تغییر با تاکید بر تغییر معنا..... ۸۲
شکل ۲-۷	سیستم افسرده ساز از دیدگاه زیر سیستمهای شناختی متعامل..... ۹۲
شکل ۲-۸	ساختار معنای تلویحی کلمه (آزگود ۱۹۵۳)..... ۱۱۲
شکل ۲-۹	مراحل شکل‌گیری مدل سلسله مراتبی حافظه در دوزبانگی..... ۱۲۶
شکل ۲-۱۰	مدل سلسله مراتبی تجدید نظر یافته R-2..... ۱۲۸
نمودار ۴-۱	پراکندگی سنی آزمودنی‌ها..... ۱۹۰
نمودار ۴-۲	پراکندگی جنسی گروههای آزمودنی..... ۱۹۲
نمودار ۴-۳	مقایسه نمرات پیش آزمون و پس آزمون درمانجویان دو گروه..... ۲۱۹
نمودار ۴-۴	مقایسه درصد بهبودی در دو گروه درمان..... ۲۱۹

فصل اول :

موضوع پژوهش

- ۱- مقدمه
- ۲- بیان مسئله پژوهش
- ۳- اهداف پژوهش
- ۴- فرضیه‌های پژوهش
- ۵- تعریف نظری و عملی متغیرهای پژوهش

• مقدمه

شناخت یکی از فرایندهای پیچیده و چند وجهی در جهان زیستی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. این توجه وقتی فزونی یافته و پیچیدگی مسئله بیش از پیش نمایان میشود که شناخت، خود موضوع بررسی قرار می‌گیرد و تعریف، چگونگی پدیدآیی و سازوکارهای آن بررسی میگردد. توجه و علاقه به این موضوع سبب شده تا شاخه‌ای جدید از دانش با عنوان علوم شناختی^۱ شکل گیرد که در عمر کوتاه خود- حدود ۴۰ سال- به پیشرفتهای مهمی نیز نائل شده است. در واقع بسیاری از تحقیقات این حوزه ماهیت بین رشته‌ای دارند که حاصل تلاشهایی در علوم مختلفی مانند فلسفه، انسان شناسی، علوم انفورماتیک، علوم اعصاب، روانشناسی و زبان شناسی هستند. هر کدام از این حوزه‌های دانش، در کنار مفاهیم اساسی خود به شناخت نیز از دریچه خاصی توجه دارند.

برای مثال زبان شناسی در کنار پرداختن به مسائلی از قبیل ساختار واژگانی و نحوی زبان، در حوزه نسبتاً متفاوتی به نقش زبان در تحول و شکل‌گیری شناخت توجه دارد. زبان شناسی شناختی رویکردی است که زبان را وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان میداند. این رویکرد که در سه دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته، زبان را نمودی از نظام تصویری ذهن و ابزاری برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات میداند. به لحاظ روش شناختی نیز تجزیه و تحلیل مبانی تجربی و تصویری مقولات زبانی هدف اصلی بوده و ساختار صوری زبان نه بعنوان پدیده‌ای مستقل که در مقام نمودی از نظام مفهومی کلی، اصول مقوله بندی، سازوکار پردازش و تاثیرات محیطی و تجربی مورد مطالعه قرار می‌گیرد(گیررتس^۲ ۱۹۹۵).

¹Cognitive Science

²Geeraerts, D.

نقطه اشتراک بحث زبان شناسی شناختی با علوم اعصاب و روانشناسی نیز در همین جاست. به نظر دانشمندان عصب شناس، وظیفه علوم شناختی مطالعه ذهن و مغز انسان بر پایه شواهد تجربی است. یکی از ویژگی‌های مهم در این حوزه توجه به نقش زبان در این رهگذر بوده و حتی ادعا می‌گردد که مطالعه تحول شناخت بدون در نظر گرفتن زبان امکان پذیر نیست. آدلمن^۱ (۱۹۹۲) عصب‌شناس معاصر تفاوت انسان با سایر موجودات را در شکل‌گیری روح زبانی در انسان دانسته و ادعا می‌نماید که در طول رشد و برپایه تجارب زبانی، هر فرد انسانی ویژگی‌ها و توانایی‌های شناختی خاصی را کسب می‌کند که ضمن حفظ اصول مشترک با سایر انسانها، خاصیتی کاملا شخصی و منحصر بفرد دارد (به نقل از نیلی‌پور^{۱۳۸۵}).

همچنین موضوع شناخت از دیر باز به حوزه روانشناسی نیز وارد شده و همواره مورد توجه و بررسی بوده است. البته روان شناسی شناختی امروز نه به شکل درون نگری بلکه به شیوه‌ای کاملا تجربی، با نحوه کسب اطلاعات از جهان، شیوه بازنمایی این اطلاعات و تبدیل آن به دانش، نحوه ذخیره و شیوه استفاده از آن برای جهت دهی به توجه و رفتار سر و کار دارد(سولسو^۲ ۱۳۸۱).

در حقیقت رویکرد شناختی یکی از چهار رویکرد اصلی روانشناسی می‌باشد که اساس و موضوع اصلی خود را ساختارهای شناخت قرار داده است. در این دیدگاه برای تبیین و بررسی رفتار می‌بایست به نظام شناختی فرد راه یافت و بر همین مبنا در بحث آسیب شناسی، وجود ساختارهای معیوب و ناکارآمد را عامل آسیبهای روانی و به تبع آن، اصلاح این ساختارهای معیوب و جانشین سازی ساختارهای کارآمد را هدف درمان معرفی می‌کند.

هر رویکردی در روانشناسی دارای یک موضوع اصلی و یک ابزار بررسی است. مثلا موضوع رویکرد روان تحلیل‌گری، ناخودآگاه بوده و مهمترین ابزار دستیابی در جهت بررسی و تغییر نیز تعبیر رویاست.

Adelman¹

Solso,R.²

رویکرد شناختی نیز موضوع اساسی خود را ساختارهای شناختی قرار داده و ابزار دستیابی به این سازمان را نیز زبان معرفی می‌کند. زبان ابزار خارق‌العاده انسان است که او را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد. اگرچه ممکن است این مقوله در ابتدا تنها بعنوان وسیله ارتباطی و برای تبادل اندیشه‌ها به نظر رسد، اما در واقع هرگونه بحث درباره انسان باید مفهوم زبان را هم شامل شود. زبان فقط قواعد دستوری و اصوات گفتاری نیست بلکه اساس و بنیاد همه فعالیت‌های ذهن را تدارک می‌بیند. زبان‌آموزی یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین مکانیسم‌های رشدی انسان است که در بسیاری از جنبه‌های مختلف رشد نیز نقش به‌سزایی داشته و دستمایه تشکیل طرحواره‌های ساختاری می‌باشد که از طریق آن میتوان دنیای اطراف را سازمان‌دهی و طبقه‌بندی کرد، در بافت اجتماعی معنا بخشید و با آن تعامل نمود.

اگرچه در دیدگاه شناختی، زبان بعنوان یک ابزار شناختی محسوب می‌گردد اما باید توجه داشت که در چنین معنایی زبان گستره‌ای فراتر از گفتار را دربر گرفته و حتی اشکالی مانند زبان اشاره و یا زبان بدن^۱ نیز دارای چنین کارکردی می‌گردند. برای روانشناسان رویکرد شناختی، بخصوص درمانگران شناختی مسئله مهم انتخاب یک شکل کارآمد زبانی است تا از آن بعنوان ابزاری کارآمد و موثرتر از سایر اشکال زبان بهره‌گیرند.

یکی از مفاهیمی که اخیراً در پاسخ به این مهم مورد توجه حوزه علوم شناختی قرار گرفته استعاره^۲ است. این واحد زبانی ابتدا فقط در حوزه ادبی و با کارکردی ارتباطی بررسی میشد، اما اخیراً دیدگاه‌هایی مطرح است که استعاره را یک واحد کامل زبانی میدانند و تمامی کارکردهای زبانی را برای آن متصور شده و معتقدند استعاره، شناختی‌ترین شکل بروز زبان و در واقع همان بعد مضمونی زبان است (لیکاف ۱۳۸۳).

Body Language¹

Metaphor²